گزارش

در طرح جدید، شهرداری بیشتر به دنبال درآمدزایی است

طرح پرترافیک

ابوالقاسم رحمانی
روزنامه‌نگار

بعد از حسن پورسیدآقایی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران، محمدعلی نجفی شهردار تهران نیز به دفاع از طرح حذف سهمیه طرح ترافیک و فروش روزانه آن پرداخت و در اظهارنظری عجیب گفت: «در این زمینه کار کارشناسی کمی شده و فرصت داریم تا ۱۵ فروردین ماه آن را اجرایی کنیم؛ حتی ممکن است در یکی دو ماه اول اجرای طرح با مشکلاتی روبه‌رو شویم اما با مشکلات برخورد کرده و برای آن راه‌حل پیدا می‌کنیم ولی مهم آن است که ما و شهروندان آماده اعمال تغییر باشیم. باید از علم و تجربه دیگران و خودمان استفاده کنیم چراکه بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال، هم‌اکنون وقت تغییر در این طرح فرا رسیده است.» وقتی شهردار پایتخت از طرحی کم‌کارشناسی شده و آزمون پس نداده به‌عنوان یک تغییر اساسی یاد می‌کند و به دفاع از آن می‌پردازد، فضای نقد جدی از آن فراهم می‌شود. در گزارشی که مدتی پیش در همین روزنامه منتشر شد از معایب اجرای این طرح سخن گفتیم و با یکی از اعضای سابق شورا نیز در این رابطه به گفت‌وگو پرداختیم، اما متاسفانه بعد از سخنان نجفی لازم است که به پرداخت دوباره آن بپردازیم.

به گفته پورسیدآقایی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران بر مبنای این طرح، «هر خودرویی حساب کاربری داشته و مبلغی را افراد شارژ می‌کنند تا هر زمانی که وارد طرح ترافیک می‌شوند بسته به اینکه چه ساعتی بیایند و بروند، از این حساب‌شان مبلغی کسر می‌شود، اگر یک ساعت، یک روز یا ۵۰ روز است، از حساب‌شان برداشته شود. در طرح جدید، اگر فردی در ترافیک صبحگاهی یا عصرگاهی عبور و مرور کند، باید سه برابر افراد دیگر عوارض بدهد.»

جلوگیری از طرح عجولانه

اقبال شاکری، عضو سابق شورای شهر تهران و عضو کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای چهارم در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به طرحی که در آن شورا در ارتباط با مقوله طرح ترافیک مطرح شده بود اشاره کرد و گفت: «به نظر من وجود محدودیت تردد اتومبیل در شهر تهران الزام صددرصدی دارد به همین خاطر ما مناطقی را در تهران تحت عنوان محدوده کاهش آلودگی داریم، این محدوده همان مناطقی است که در آن طرح زوج و فرد و طرح ترافیک اعمال می‌شود. در طرح قبلی چند موضوع و مولفه وجود داشت؛ اول اینکه برای اتومبیل‌ها دو پیش‌شرط ثابت جهت ورود در مناطق طرح ترافیک داشتیم. یک اینکه دارای معاینه فنی از مراکز معتبر باشند و دوم اینکه اتومبیل فرسوده نباشد، چراکه این احتمال وجود داشت شاید خودرویی در زمان اخذ معاینه فنی مشکلی را بروز ندهد اما یک ماه بعد دچار مشکلاتی شود و عملا به آلودگی هوا دامن بزند. برای ایجاد هر طرحی در زمینه ترافیکی باید این پارامترها رعایت شود. علاوه‌بر این هر خودرو می‌توانست به اندازه طرحی که از قبل پیش‌خرید کرده بود، یک هفته‌ای، ماهانه و... در طرح حاضر شود نه اینکه هر وقت خواست، وارد محدوده بشود. با تمام این ملاحظات و کارشناسی‌هایی که صورت گرفت بازهم این طرح تصویب نشد.»

وی با اشاره به این موضوع که طرح جدیدی که از سوی شورای پنجم ارائه شده مدلی دیگر از طرح شورای قبلی است، ادامه داد: «طرح ترافیک و هر طرح دیگری باید کارشناسی‌ها و فیلترهای فراوانی را گذرانده باشد. باید از هر طرح عجولانه و کارشناسی نشده جلوگیری کرد چراکه سیاست‌های ما در تمامی زمینه‌ها مملو از آزمون و خطاهای بی‌ثمری است که به دلیل همین عدم توجهات کارشناسی به وقوع پیوسته است و نباید دوباره در دام آن افتاد.»

شاکری با بیان این نکته که طرح ترافیک، طرحی مرتبط با آلودگی هواست افزود: «آلودگی هوا باید از منظر شهروندان مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از مسئولان و تصمیم‌گیران هم می‌خواهم که فارغ از جایگاه سازمانی، این موضوع را به‌عنوان یک شهروند و با دغدغه‌های شهروندی مورد بررسی قرار دهند.»

عضو سابق شورای شهر تهران در انتها به کم ثمر خواندن چنین سیاست‌هایی در زمینه تحدید خودروهای شخصی خاطرنشان کرد: «تقویت و تجهیز حمل‌ونقل عمومی علاج رفع آلودگی هواست و هیچ طرح و سیاستی خارج از آن نمی‌تواند تاثیر چشمگیری در این مهم داشته باشد. فلذا بهتر است که شهرداری و سایر دستگاه‌ها در مسیر تجهیز این ناوگان گام برداشته تا شهروندان از موهبات آن بهره‌مند شوند. از دیگر سو طرح‌ریزان و سیاستگذاران شهری نیز باید از ظرفیت‌های دانشگاهی غافل نشوند چراکه دانشجویان نیز می‌توانند با ایده‌های خود گره‌گشای بسیاری از آسیب‌ها باشند.»

در پایان و با توجه به انتقادات مطرح شده توسط کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه شهری و زیر سایه عدم پاسخگویی شورای پنجمی‌ها، آنچه از این طرح تازه به اذهان رسیده بهشت‌نشینان تهرانی دستگیر می‌شود، دغدغه کسب درآمد از سوی مدیریت شهری و دامن زدن به فاصله طبقاتی و جدال دار و ندار در شهر تهران است. چراکه همواره راهکارهای منطقی‌تر و متقن‌تری در ارتباط با کنترل آلودگی هوای شهر تهران وجود داشته است، اما عملیاتی شدن آن پشت پیچ‌وخم‌های نظارتی شهری و استانی به بن‌بست رسیده‌اند.

گزارش میدانی

پای دغدغه‌های پزشکان داوطلب در کوره‌پزخانه‌ها

جهاد با مانع!

عکس: وحید سرابی | فرهیختگان

مینا فرقانی
روزنامه‌نگار

آنهایی که سقف دغدغه‌شان افزایش عوارض خروج از کشور است، شاید اصلا ندانند چنین جاهایی در تهران زیبایشان وجود دارد! جایی حوالی همین شهر شلوغ، مدرن و ماشینی، مناطقی با وسعت قابل توجه، به زور زیر پونز نقشه چپانده شده‌اند که حتی سهمی از آسفالت هم نصیب خیابان‌هایشان نشده است، چه برسد به عینیت یافتن حقوق شهروندی!

با یک گروه جهادی همراه شدیم تا ببینیم چه تدبیری برای حجم انبوه مشکلات مردم این منطقه اندیشیده‌اند و چگونه قرار است با حضور و خدمات‌شان، امید را به آنها هدیه دهند. پزشکانی که با این گروه، همراه شده بودند البته بیشتر از آنکه اهل حرف و مصاحبه باشند، اهل عمل بودند؛ اما بین مریض‌هایشان، لحظاتی را هم با ما هم‌سخن شدند...

پزشک متخصص اطفال، که در یک اتاق محقر، مشغول معاینه کودکان زیر هفت سال است، مصاحبه را به بعد از اتمام معاینه افراد حاضر، موکول می‌کند. در زمان انتظار بازگشت کودکان بالای هفت سال از مدرسه، فرصتی دست می‌دهد که گفت‌وگوی مختصری با هم داشته باشیم. هرچند در این مدت هم، بزرگسالانی با مشکلاتی از جمله دیابت، فشار خون، درد پا و کمر و... مراجعه می‌کنند که خانم دکتر، دلش نمی‌آید همه آنها را در انتظار آمدن متخصص داخلی (در روزهای آینده) نگه دارد و برخی را که وضعیت بغرنج‌تری دارند، معاینه می‌کند. در این فواصل، درباره اثربخشی فعالیت‌های این‌چنینی، گپ و گفتی داشتیم.

چه شد که برای اقدامات درمانی به این محله آمدید؟

احساس درونی بنده این است که در این زمینه نیاز به یک کار اساسی است. احتمالا دوستان زیادی با نیت‌های متفاوت (فرهنگی، آموزشی، درمانی، اهدای نذورات و...) به این مناطق سر می‌زنند. اما به نظر من، هیچ‌کدام از این اقدامات، محرومیت‌زدایی نخواهد کرد. اگر هدف، کمک‌رسانی باشد، شاید اگر تمام این گروه‌ها منسجم شوند، یک کار اساسی انجام شود. امیدوارم این فعالیت‌ها پایه‌گذاری شود، شکل مناسب خود را بگیرد و هدفمند شود.

به‌عنوان مثال ما مدتی قبل، با گروه دیگری به مناطق کوره‌پزخانه‌ها آمده بودیم، اما همان یک بار بود! بعضی از ساکنان را چکاپ کردیم، کارهای درمانی عده‌ای را هم پیگیری کردیم و خواهش کردیم که پیگیری‌های بعدی انجام شود، اما عملا رها شد. به همین دلیل فکر می‌کنم چنین اقداماتی، فعالیت‌های کور است و باید خیلی هدفمندتر از اینها باشد. حقیقت این است افرادی که این کوره‌پزخانه‌ها را سر پا نگه داشته‌اند و از این کوره‌ها منافع مالی کسب می‌کنند، اصلا مایل نیستند در این مجموعه‌ها تغییری حاصل شود، چون در شرایط اقتصادی فعلی، دیگر کار و درآمدی نخواهند داشت!

کمک‌های بلاعوض، اگر مقطعی باشد، تقریبا فایده‌ای ندارد؛ اگر هم مداوم باشد، آسیب‌های دیگری (از جمله بدعادت شدن افراد خدمات گیرنده و کنار آمدن با بیکاری!) را به دنبال دارد. نظر شما به‌عنوان یک پزشک جهادی که خدمات رایگان ارائه می‌دهید، چیست؟

دقیقا همین دغدغه برای بنده هم مطرح است. بعضی افراد این مناطق که کار ندارند، تمام وقت خود را هدر می‌دهند. یکی از مراجعان بنده که خانم ۳۰ ساله‌ای بود گفت خودش و همسرش از صبح تا شب در خانه بیکار هستند و فرزندشان را هم به مدرسه نفرستاده‌اند. شخصا با این فرهنگ موافق نیستم که به چنین افرادی خدمات رایگان و جهادی داده شود. معتقدم باید به این افراد آموزش داده شود که با یک امکانات حداقل، کاری انجام دهند که هم زندگی‌شان را بچرخانند و هم از وقت‌شان درست استفاده کنند. باید به آنها ماهی‌گیری آموخت تا بتوانند خودشان را اداره کنند.

طرح بیمه سلامت در عمل کاری از پیش نبرد

پزشک متخصص زنان و ناباروری که تقریبا در بهترین اتاق منطقه به طبابت نشسته است، مراجعان زیادی دارد. از اینکه بانوان این منطقه، برای معاینه و چکاپ بیماری‌های زنان، اشتیاق نشان داده‌اند، به وجد می‌آییم؛ اما خانم دکتر اشاره می‌کند که بیشتر این افراد مشکل زنان ندارند یا اگر هم دارند، اجازه معاینه داخلی نمی‌دهند، بیشتر اینها برای مشکلات عمومی (زانودرد، فشارخون، دیابت و...) آمده‌اند. وقتی به مراجعان اعلام می‌کنیم که پزشک داخلی سه روز دیگر می‌آید و اگر مشکل زنان ندارید، در آن تاریخ بیایید، اتاق تقریبا خالی می‌شود و فرصتی دست می‌دهد تا با خانم دکتر، به گفت‌وگو بنشینیم.

علت حضورتان در این منطقه چیست؟

قبلا با دو گروه جهادی به این منطقه آمده‌ام و دقیقا همین اتفاقات، دفعات پیش هم تکرار شد. گروه جهادی قبلی، بیشتر، کارهای عمرانی (ساخت سرویس بهداشتی و...) در این منطقه انجام داده بودند و به همین دلیل رابطه دوستانه‌ای با ساکنان داشتند. اما برای کارهای درمانی، امکانات حداقلی فعلی را (که این گروه دارند) هم نداشتند. شخصا به این دلیل در این اردو شرکت کرده‌ام که از یک نیروی جوان (که تصمیم گرفته کار مثبتی انجام دهد)، حمایت کنم و بگویم تنها نیست، ناامید نشود و فکر نکند نمی‌شود کاری کرد. آمدم تا او هم متوجه شود این‌جوری فایده‌ای ندارد.

به نظر من نباید این‌طور باشد که هر گروهی بیاید اینجا، کاری انجام بدهد و برود. باید از نظر اجتماعی و جامعه‌شناختی، بررسی کنند تا ببینند مشکل اصلی این مردم چیست؟ وقتی اینجا مردم سرویس بهداشتی و حمام ندارند، گرفتن تست پاپ‌اسمیر معنی ندارد. منظور این است که بیماری‌های زنان، اولویت چندم مردم این گونه مناطق است و اولویت‌ها به درستی شناسایی نشده‌اند. اصل قضیه این است که این بندگان خدا کار می‌خواهند، کارگران فصلی هستند و کار دائمی ندارند، مساله خانه و سرویس بهداشتی‌شان حل نشده است.

تازه اینجا که ما آمده‌ایم از کوره‌های بزرگ‌تر و شناخته‌شده‌تری است که ساکنانش وضعیت بهتری دارند، بسیاری از مردم هم هدایا و نذورات خود را در این مناطق توزیع می‌کنند. مناطق بسیار فقیرتری داخل شهر تهران داریم که به‌شدت دچار معضلات اجتماعی (موارد مخدر، فحشا و...) هستند و نیروی انتظامی هم با تدابیر امنیتی ویژه می‌تواند وارد شود، چه برسد به خیران!

فکر می‌کنید مهم‌ترین مساله ساکنان این منطقه چیست؟

در مورد این منطقه، بیشتر ساکنان ایرانی، تحت پوشش یک خانه بهداشت هستند و بیشتر مراجعان ما افغانی هستند. به‌طور کلی، اینکه یک متخصص زنان، اینجا بیمار ببیند، مشکل اینها را حل نمی‌کند. بلکه این افراد باید در وهله اول کار داشته باشند تا پولی به دست بیاورند، فرهنگ این را هم داشته باشند که وقتی نیاز به درمان پیدا می‌کنند به یکی از مراکز بهداشتی مراجعه کنند و خدمات مورد نیاز را بگیرند. مهاجران افغانی ساکن ایران، تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند و برای یک زایمان طبیعی، تحت نظر رزیدنت سال یک یا انترن، باید دو تا سه میلیون تومان هزینه کنند.

چرا طرح بیمه سلامت نتوانست مشکل مردم این مناطق را مرتفع کند؟

هدف این طرح این بود که همه مردم بیمه داشته باشند. در ایران حرف‌های خوب زیاد می‌زنند، اما متاسفانه عمل نمی‌کنند. مثلا مدت‌هاست می‌گویند باید پزشک خانواده وجود داشته باشد، به این صورت که یک پزشک در درمانگاه هر منطقه مستقر باشد، بداند چه تعداد افرادی تحت پوشش او هستند و بتواند پاسخگوی آنها باشد. بنابراین اینکه من یک روز اینجا بیماران را ببینم، در ظاهر خوب است، اما در اصل و باطن مشکلی را حل نمی‌کند. اساسا تا وقتی سیستم و ساختارها اصلاح نشوند، کارهایی که من و شما انجام می‌دهیم، متاسفانه به جایی نمی‌رسد.

به‌عنوان مثال همین بیمه سلامت که با مخالفت قاطبه پزشکان آغاز شد، اکنون شکست خورده است و دفترچه‌های بیمه سلامت بی‌اعتبار شده‌اند. حالا وضعیت خوب است؟! این طرح شکست نمی‌خورد، اگر در کنارش طرح پزشک خانواده هم اجرا می‌شد و یک مولتی‌میلیاردر نمی‌توانست با ۱۳ هزار تومان هزینه، در بهترین بیمارستان و توسط بهترین پزشک، یک عمل فوق‌العاده پیشرفته چشم را انجام بدهد.

منظور این است که اگر افراد، شناخته‌شده بودند و پزشک خانواده، آنها را به بیمارستان‌های لازم معرفی می‌کرد و با توجه به شناختی که از افراد تحت پوشش خود داشت، تعیین می‌کرد که آیا این افراد استطاعت پرداخت هزینه‌های درمانی خود را دارند یا خیر، این طرح به این وضع درنمی‌آمد. دفترچه‌های بیمه سلامت، به جای اینکه برای همه افراد کشور تهیه شود، باید به افراد خاصی داده می‌شد و مردم با برنامه‌ریزی، تحت پوشش قرار می‌گرفتند تا این طرح ادامه پیدا کند.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی. مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب خدیجه بوعذار فرزند منصور به شماره شناسنامه ۱۹۸۰۰۱۶۷۰۴ صادره از دشت آزادگان مقطع کارشناسی پیوسته رشته راهنمایی و مشاوره صادره از واحد دانشگاهی سوسنگرد با شماره سریال ۰۶۳۵۵۸۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد به نشانی سوسنگرد - خیابان شهید غدیری اصل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد صندوق پستی ۶۴۴۱۹۸۳۹۳۴ ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری سایپا SL ۱۳۱ مدل ۹۰ به رنگ نوک مدادی - متالیک و به شماره موتور ۳۸۴۹۳۶۸ و به شماره شاسی S۳۴۱۲۲۸۹۸۲۵۵۷۵ و به شماره پلاک ۲۴ - ۸۶۹ ل ۳۹ به نام حسین مقدم مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند خودرو پژو سواری ۴۰۵ مدل ۸۹ به رنگ نقره‌ای - متالیک بشماره موتور ۱۲۴۸۹۱۷۸۰۹۰ و به شماره شاسی ۶۳۳۲۹۵ CAXBK۱۱ NAAM و به شماره پلاک ۱۴ - ۳۵۸ ص ۹۵ به نام احسان ابادری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سرپرست استان زنجان
خواهان: آقای حمیدرضا محمدی فرزند محمدنقی به نشانی زنجان- شهرک صنعتی شماره ۱ خ یاوران ۹ نبش خ صنعت ۳ شرکت ره آورد فردا
خواندگان: ۱- آقای محمدمهدی سیراوند فرزند علی به نشانی البرز کرج فردیس فلکه ۵ صاحب‌الزمان غربی مجتمع ولی‌عصر ۵ واحد۱۹۸ ۲- شرکت پدیده ملک کیان به نشانی مجهول‌المکان
خواسته: مطالبه وجه چک
به تاریخ ۹۶/۹/۲۵ در وقت فوق‌العاده پرونده کلاسه ۹۶۰۴۷۸ به تصدی امضاکننده ذیل تحت نظر است. شورا پس از بررسی اوراق و محتویات پرونده با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.
رای قاضی شورا
درخصوص دادخواست تقدیمی آقای حمیدرضا محمدی به طرفیت: ۱- آقای محمدمهدی سیراوند ۲- آقای محمود تنها ۳- شرکت پدیده ملک کیان به خواسته مطالبه مبلغ هفتاد و یک میلیون و ششصد هزار ریال موضوع یک فقره چک مستند دعوی به شماره ۶۴۴۵۳۷۲ مورخ ۹۶/۵/۱۵ عهده بانک توسعه تعاون شعبه آیت‌الله کاشانی، با احتساب خسارت دادرسی به شرح متن دادخواست تسلیمی نظر به اینکه صدور وجود اصل چک در ید خواهان دلالت بر اشتغال ذمه خواندگان به میزان وجه مندرج در متن آن در مقابل خواهان به‌عنوان دارنده رادارد و با توجه به اینکه مستند مرقوم از هرگونه تعرض مصون مانده و به اصالت آن خدشه‌ای وارد نشده و در مقابل دعوی مطروحه نیز دفاعی معمول نشده و ایراد و تکذیبی به عمل نیامده است و دلیل دائر بر پرداخت وجه چک مورد دعوی و تحصیل برائت ذمه از سوی خواندگان ابراز نگردیده، لذا شورا دعوی را محمول برصحت تشخیص و با احراز مدیونیت خواندگان و استصحاب بقاء دین مستندا به مواد ۲۴۹ و ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک خواندگان را به تضامنی به پرداخت مبلغ هفتاد و یک میلیون و ششصد هزار ریال از بابت اصل خواسته و به علاوه مبلغ یک میلیون و نهصد و نود ودو هزار و پانصد ریال از بابت هزینه دادرسی و هزینه نشر آگهی و خسارت تاخیر تادیه برمبنای نرخ تورم از تاریخ چک تازمان وصول آن که توسط واحد اجرای احکام از بانک مرکزی استعلام می‌شود و در حق خواهان محکوم می‌نماید. این رای غیابی و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و ظرف مهلت بیست روز دیگر پس از مضی آن قابل تجدیدنظرخواهی نزد محاکم محترم عمومی حقوقی شهرستان زنجان می‌باشد.
شهبازی- قاضی شعبه ۷ شورای حل اختلاف زنجان

در پرونده کلاسه ۴۸۵/۱/۹۶ خانم میمنت احیایی فرزند حسن از این شعبه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی یداللهی فلاح در تاریخ ۹۶/۸/۲۸ در محل اقامت دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آن مرحوم عبارت است از
۱- مینا یداللهی نام پدر: علی شماره شناسنامه -- شماره ملی ۰۰۲۱۳۷۷۲۷۸ دختر متوفی
۲- میمنت احیائی نام پدر: حسن شماره شناسنامه ۸۳ شماره ملی ۰۶۰۲۳۱۰۸۷۳ همسر متوفی
۳- عذرا رحیمی اللهی نام پدر: عابدین شماره شناسنامه ۱۴ شماره ملی ۰۶۰۲۰۹۹۸۷۰ مادر متوفی
۴- ولی یداللهی فلاح نام پدر: محمد حسین شماره شناسنامه ۱۶ شماره ملی ۰۶۰۱۹۶۰۸۷۴ پدر متوفی
اینک با انجام تشریفات درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض یا وصیتنامه از متوفی دارد از تاریخ نشر نخستین آگهی یک ماه به دادگاه تقدیم دارد. والا گواهی صادره و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد شد.
قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف ساوه: فخاریان/م.الف ۱۴۳۳

در پرونده کلاسه ۴۹۷/۱/۹۶ آقای محمدعلی خلج‌امیرحسینی فرزند ابوالفضل از این شعبه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ابوالفضل خلج‌امیرحسینی در تاریخ ۸۳/۷/۲۷ در محل اقامت دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آن مرحوم عبارت است از
۱- محمدعلی خلج‌امیرحسینی نام پدر: ابوالفضل شماره شناسنامه ۴۱۸ شماره ملی ۰۶۰۲۷۱۶۶۵ پسر متوفی
۲- حبیب‌اله خلج‌امیرحسینی نام پدر: ابوالفضل شماره شناسنامه ۴۲۸ شماره ملی ۰۶۰۲۳۱۴۳۲۱ پسر متوفی
۳- صدیقه خلج‌امیرحسینی نام پدر: ابوالفضل شماره شناسنامه ۲۳۶ شماره ملی ۰۰۴۱۶۷۰۷۴۴ دختر متوفی
۴- طاهره خلج‌امیرحسینی نام پدر: ابوالفضل شماره شناسنامه ۴۵۸ شماره ملی ۰۰۴۱۷۱۳۸۷۷ دختر متوفی
۵- فاطمه خلج‌امیرحسینی نام پدر: ابوالفضل شماره شناسنامه ۴۵۵ شماره ملی ۰۳۲۱۳۳۷۶۴۶ دختر متوفی
۶- زهرا خلج‌امیرحسینی نام پدر: ابوالفضل شماره شناسنامه ۱۰۱۱۹ شماره ملی ۰۶۰۰۱۰۵۹۰۳ دختر متوفی
۷- ایران مجتهدزاده نام پدر: حسن شماره شناسنامه ۲ شماره ملی ۰۶۰۲۰۱۵۸۷۱ همسر متوفی
اینک با انجام تشریفات درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض یا وصیتنامه از متوفی دارد از تاریخ نشر نخستین آگهی یک ماه به دادگاه تقدیم دارد. والا گواهی صادره و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد شد
قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف ساوه- فخاریان/م.الف ۱۴۳۲

در پرونده کلاسه ۴۹۵/۱/۹۶ آقای حسن جبالی فرزند رمند علی از این شعبه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان پری سیمرغ در تاریخ ۹۶/۷/۲۲ در محل اقامت دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آن مرحوم عبارت است از
۱- حسن جبالی نام پدر: رمند علی شماره شناسنامه -- شماره ملی ۰۳۷۰۴۹۹۳۵۲ پسر متوفی
۲- زهرا جبالی نام پدر: رمند علی شماره شناسنامه -- شماره ملی ۰۳۷۰۱۶۱۶۹۶ دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض یا وصیتنامه از متوفی دارد از تاریخ نشر نخستین آگهی یک ماه به دادگاه تقدیم دارد. والا گواهی صادره و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد شد.
قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف ساوه- فخاریان/م. الف ۱۴۳۱

در پرونده کلاسه ۵۰۴/۱/۹۶ خانم مریم علیشاهی فرزند علی اکبر از این شعبه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زهرا مردانه در تاریخ ۹۶/۹/۲۱ در محل اقامت دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آن مرحوم عبارت است از:
۱- جواد علیشاهی نام پدر: علی اکبر شماره شناسنامه -- شماره ملی ۰۵۹۰۲۲۱۵۹۰ پسر متوفی
۲- مریم علیشاهی نام پدر: علی اکبر شماره شناسنامه -- شماره ملی ۰۵۹۰۱۸۸۳۵۶ دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض یا وصیتنامه از متوفی دارد از تاریخ نشر نخستین آگهی یک ماه به دادگاه تقدیم دارد. والا گواهی صادره و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد شد.
قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف ساوه- فخاریان /م.الف ۱۴۳۰

در پرونده کلاسه ۵۰۳/۱/۹۶ خانم ندا رنگ‌آمیز فرزند حسین از این شعبه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زهرا ریحانی در تاریخ ۹۴/۶/۱ در محل اقامت دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آن مرحوم عبارت است از:
۱- محمدرضا رنگ‌آمیز نام پدر: حسین شماره شناسنامه -- شماره ملی ۱۲۷۲۱۶۵۳۱۰ پسر متوفی
۲- الهام رنگ‌آمیز نام پدر: حسین شماره شناسنامه -- شماره ملی ۱۲۷۰۱۱۱۳۸۸ دختر متوفی
۳- ندا رنگ‌آمیز نام پدر: حسین شماره شناسنامه ۲۶۳۴ شماره ملی ۰۶۰۳۲۵۵۷۲۸ دختر متوفی
۴- حسین رنگ‌آمیز نام پدر: رضا شماره شناسنامه ۱۷۲ شماره ملی ۰۶۰۲۲۵۷۷۰۰ همسر متوفی
اینک با انجام تشریفات درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض یا وصیتنامه از متوفی دارد از تاریخ نشر نخستین آگهی یک ماه به دادگاه تقدیم دارد. والا گواهی صادره و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد شد.
قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف ساوه- فخاریان/ م.الف ۱۴۲۹

در پرونده کلاسه ۴۹۹/۱/۹۶ آقای ابوالفضل محمدی نوری فرزند عباس از این شعبه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محترمه حسینی نوری در تاریخ ۹۵/۱۲/۲۹ در محل اقامت دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آن مرحوم عبارت است از:
۱- رضا محمدی‌نوری نام پدر: عباس شماره شناسنامه ۱۱۱۳ شماره ملی ۰۶۰۰۴۴۴۸۰۵ پسر متوفی
۲- ابوالفضل محمدی‌نوری نام پدر: عباس شماره شناسنامه ۱۳ شماره ملی ۰۶۰۲۵۹۶۹۵۵ پسر متوفی
۳- مصطفی محمدی‌نوری نام پدر: عباس شماره شناسنامه ۱ شماره ملی ۰۶۰۲۶۱۳۴۳۴ پسر متوفی
۴- نجما محمدی‌نوری نام پدر: عباس شماره شناسنامه ۱۴۴۷ شماره ملی ۰۶۰۰۴۴۸۱۵۰ دختر متوفی
۵- نادره محمدی‌نوری نام پدر: عباس شماره شناسنامه ۱۲۱۹ شماره ملی ۰۶۰۲۴۳۶۳۱۱ دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض یا وصیتنامه از متوفی دارد از تاریخ نشر نخستین آگهی یک ماه به دادگاه تقدیم دارد. والا گواهی صادره و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد شد.
قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف ساوه- فخاریان /م.الف ۱۴۲۸